

چین: جهانی دیگر در اعماق زمین

فرانسوا اوبن

لوای یک امپراتوری متحد شد، زندگی پس از مرگ، در اعتقاد عامه به صورت منزلگه بسیار ملال‌انگیزی در سرچشمه‌های رود زرد، درآمد. از این‌رو آنها که می‌توانستند، کوشیدند تا با جستجوی دیوانه‌وار برای جاودانگی و در سیر و سلوکی عرفانی به راهنمایی یک مرشد تائوئیست از این سرنوشت بگریزند. از سوی دیگر، شاکردان کنفوسیوس تنها در پی به دست آوردن حالتی از پرهیزکاری اخلاقی برای خدمت به امپراتور بودند. آنها به جاودانگی همچون نشانه‌ای از صفای ذهنی می‌نگریستند.

بین سده‌های سوم تا ششم میلادی، ظهور کیش بودا، دورنمای مذهبی را دگرگون کرد و مذاهب گوناگون برای تطبیق خود با یکدیگر به تلاش افتادند. با ترجمه متون بودایی و جذب عقاید و آیین‌های محلی، این مذهب هندی به زودی به مذهبی چینی بدل

دیدگاه فرهنگ چینی درباره زندگی پس از مرگ، هیچگاه ثابت نبوده، گرچه برخی جنبه‌های آن هرگز دگرگون نشده است. خدایان به باور چینیان، از نفوذی فراگیر برخوردارند: آنها بخشی جاویدان از جهان خاکی‌اند و اگر رضایت خاطرشان جلب شود، می‌توانند انسان را در تحقق آرزوهایش تا رسیدن به خوشبختی یاری دهند. حال آنکه در جوامع مدیترانه، خدایان (یا خدای خالق یکتا) موجوداتی متعالی و فراتر از دنیای محسوس به‌شمار می‌آیند. بر اساس یک باور مقدس قدیمی چینی، روح انسان به مجموعه‌ای از ارواح برتر که برای آینده‌ای معنوی پس از مرگ مقدر گشته‌اند و مجموعه‌ای از ارواح مادی فروتر که به کالبد و گور پیوسته‌اند، تقسیم می‌شود.

هنگامی که چین در قرن سوم پیش از میلاد زیر

در تمدن چین،

مردگان، خدایان

و زنده‌ها بنا به

دلایل تجربی

رابطه خود را

حفظ می‌کنند

کردید. مذهب تائو، به سهم خود، بسیاری از اصول آیین بودا را به وام گرفت. در همین زمان، آیین‌های عامیانه که توسط عموم مردم از هر طبقه همه‌روزه به اجرا درمی‌آمد، از آیین بودا و مذهب تائو پرستشگاهی از خدایان نگاهبان اخذ کرد و مکتب کنفوسیوس به حمایت از فرمانبرداری از والدین همچون الگویی از پرهیزکاری ادامه داد.

دادگاه‌های عالم زیرین

تا سده نهم ترکیب زندگی پس از مرگ به روشنی تثبیت شده بود. هر انسان دارای سه روح یا مجموعه‌ای از ارواح است. از زنان به ندرت نام برده می‌شود بجز آنکه تأکید می‌شود که آنان در دنیای دیگر پیرو مردانشان خواهند بود همچنان‌که در این دنیا چنین‌اند گرچه معمولاً برای این کار از جان خود نمی‌گذرند.

از روح‌های سه‌گانه‌ای که هر مرد داراست، *bun* یا روح معنوی برای تجلیل از متوفا در محراب خانوادگی کنار سنگ قبر باقی می‌ماند و از سوی بازماندگان با پیشکش‌هایی همچون بخور و غذا ستوده می‌شود. *po* روح خاکی، در گور باقی می‌ماند و در خلال جشن‌هایی که به احترام شخص متوفا برگزار می‌شود، با هدایایی از طرف بازماندگان، حمایت می‌شود. روح سوم در یک سلسله دادگاه‌های زیرزمینی که بنابر مشهورترین روایات بر فراز قله شرقی کوه مقدس تائو شان در استان شان‌تونگ قرار دارند، محاکمه می‌شود.

اینجاست که عمل‌گرایی فرهنگ چینی خود را نشان می‌دهد. دادگاه‌های عالم زیرین گرچه ریشه

در مراسم جشنواره تائو، کاغذی به شکل پول، به عنوان پیشکشی از سوی بازماندگان به مردگان، سوزانده می‌شود.



لاک پشت و مار، سمبل‌های *yang yin* در کارت پستالی از چین امروز.

بودایی دارند اما همچون دادگاه‌های امپراتوری شکل گرفته و برگزار می‌شوند. شخص متوفا در آنجا همچون یک زندانی که به جنایتی متهم شده، نگهداری می‌شود. اما همانند عدالت زمینی رأی مطلوب را می‌توان با پرداخت پول کاغذی، از سوی خانواده مرده از دادگاه‌های زیرزمینی خرید.

مدت زمانی که در گور سپری می‌شود، تبعید همیشگی نیست بلکه دوره‌ای است کوتاه یا بلند در برزخ که میان دو مرحله زمینی قرار گرفته است. این دوره معمولاً سه سال است، مگر در موارد ویژه‌ای چون گناهان شنیع که مجرم زمان طولانی‌تری را در آتش دوزخ خواهد سوخت. اگر بازماندگان به خاطر احترام و وظیفه‌شناسی در برابر والدین مبلغی مناسب برای رستگاری او بپردازند، شخص مرده در برزخی شبیه به مناظر زمینی که در آنجا زندگی می‌کرده، در انتظار پایان یافتن سه سال خویش به سر خواهد برد. تمام احتیاجات وی را بازماندگان پرهیزکارش با به آتش کشیدن همه نوع وسیله از جنس کاغذ - خانه، اثاثیه منزل، پول و حتی این روزها اتومبیل و تلویزیون - فراهم می‌آورند.

به آتش کشیدن وسائل کاغذی راهی است معمول برای انتقال جنس به عالم اموات. خزانه‌داری دوزخ مقدار پول کاغذی را که از طریق سوزاندن برایش فرستاده شده به دقت محاسبه می‌کند. شخص متوفا در مقابل رفتار خوب فرزندان و نوه‌هایش به آنها می‌قبولاند که برایشان نگاهبانی مؤثر خواهد بود. براساس عقاید بوداییان درباره تناسخ ارواح، حاکمان دوزخ به او اجازه می‌دهند که به زمین بازگردد و این زایش دوباره فرد، براساس نظریه کنفوسیوس در مورد تفوق نظام خانواده، در ردیف بازماندگان خویش خواهد بود.

مرگی شایسته است که فرد متوفا پشت سر خویش بازماندگان و اموال کافی برای تقویت ارواح خانواده داشته باشد. پیش از آنکه روحی بتواند نیکخواه باشد، باید به خوبی با گوشت و برنج تقویت شود. اگر ارواح گرسنه باشند به زمین بازمی‌گردند و همچون اشباح که از جذب مصائب لذت می‌برند پرسه می‌زنند. روش‌های گوناگونی برای مقابله با تأثیر مخرب آنان به وجود آمده است، از «سد روح» که راه ورود آنان را به دهکده‌ها مسدود می‌کند گرفته تا توده آتش و آینه‌ها به قصد ترساندن آنها و پیشکشی همگانی از غذا که نه تنها در چین بلکه در ویتنام، ژاپن و کره نیز عمومیت یافته است و زمان آن در نیمه تابستان است که نگاهبانان دوزخ دروازه‌ها را باز می‌کنند و به ساکنان آن اجازه می‌دهند تا یک روز را خارج از دوزخ در جشن ارواح سپری کنند.

ایزدان عامه

بین سده‌های نهم تا سیزدهم به تدریج از اعمال این



اساطیر قدیم با ملایمت بر آن فرمانروایی می‌کرد. با وجود این، خدایان کم‌اهمیت‌تر محلی در مقام نگاهبان خانه‌ها، شهرها و جاده‌ها، نزدیک به زندگی روزانه، به حیات خود ادامه دادند. هنگامی که خدای اجاق، مهم‌ترین خدای خانگی پس از گذشت هر سال قمری گزارشی مفصل از رفتار کلیه اعضای خانواده که به او خوراک داده‌اند و او آنها را زیر نظر داشته، تهیه می‌کند، به دوزخ فرود نمی‌آید بلکه به بهشت، به کاخ امپراتور جید پرواز می‌کند.

بهشت‌های مذاهب بزرگ - آنها که اساطیرشان برخلاف مذاهب عامه مردم توسط علمای مذهبی آموزش داده می‌شدند - نیز دست‌کم از قرن ششم وجود داشته‌اند. بهشت تائو در کوه تای‌شان قرار دارد که کوهی است مقدس و راهی به دوزخ دارد و پر است از ایزدان دلپذیر و گوناگون.

«پوستشان به لطافت دانه‌های برفی است که

پایین، نقاشی روی ابریشم
از هنرمند کره‌ای
چای مینگ کیونگ
(۱۶۲۱-۱۵۶۷) که گروهی از
ایزدان را در حال رقص با درنا
نشان می‌دهد. هشت ایزد،
چهره‌هایی اسطوره‌ای‌اند،
آمیزه‌ای از عناصر سنتی
آیین تائو، کنفوسیوس و بودا.



ارواح سرگردان، فهرستی تهیه شد و بدین ترتیب راهی برای مقابله با تهدیدات آنها به سود جامعه‌ای که آنان را پرستش می‌کرد به دست آمد. بدین سان آنان به نگاهبانان نظم نیک ماوراءالطبیعه و نیکبختی مادی مکانی مشخص، مبدل شدند. پیدایش ایزدان عامه مردم از میان انبوهی از ایزدان نگاهبان که بیشتر آنان در خلال جنگ‌ها و حوادث دچار مرگ‌های وحشتناکی شده بودند، فرایندی است اساسی که اهمیت آن در عقاید چینیان در مورد دنیای پس از مرگ، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

این فرایند به آن معنی بود که عامه مردم اداره امور ماوراءالطبیعه را که تا پیش از این تنها در اختیار متخصصان آیین تائو یا بودا بود، به دست گرفتند و رابطه‌ای مستقیم و دو جانبه با خدایان برقرار کردند.

اگر خدایان واقعاً بخواهند زنده بمانند باید مؤثر باشند و از جامعه‌ای که ضمانت آنها را برعهده دارد (و آنها نیز متقابلاً ضامنش شده‌اند) در مقابل خطراتی همچون بیماری‌های فراگیر، زلزلی و سیل محافظت کنند و آرزوهایشان را در مورد فرزندان‌شان، موفقیت در امتحانات، سلامتی و ثروت برآورده سازند. در غیر این صورت از طرف همه طرد می‌شوند و ناچارند به میان ارواح فراموش شده برگردند. از سوی دیگر مؤثرترین خدایان از سوی امپراتوری باعنوانی مقدس شناخته می‌شوند و در صورت شایستگی، ممکن است در سلسله مراتب قداست، ترفیع یابند.

بین قرون دهم تا سیزدهم، هنگامی که منطقه ساحلی جنوب چین دوران پررونقی را می‌گذراند، خدایان زاده شدند و همراه با زائران و بازرگانان سفر کردند. آنان در زیارتگاه‌های بین راه مورد عبادت قرار گرفتند و همراه با شکل‌گیری نیازهای نو، تغییر شکل دادند. زمانی که شمال مورد تجاوز همه‌جانبه قرار گرفت، مردم جنوب با شور و حرارتی بیش از همیشه ایزدان جنگجو و نگاهبان خود را فراخواندند.

از آغاز قرن حاضر، خدایان در همه عرصه‌های مهم، قدرت خویش را استوار کرده‌اند. در شهرها، ایزد آبراه‌ها و دیوارها اهمیت اساسی دارد. در خانه‌ها، ایزدان اجاق‌ها، آستانه و دستشویی، فرمانروایی می‌کنند. انبوهی از کارت‌های رنگی برای سال نو با نقش خدایان و صحنه‌های فرخنده در همه خانه‌ها به نمایش درمی‌آیند و سال بعد عوض می‌شوند.

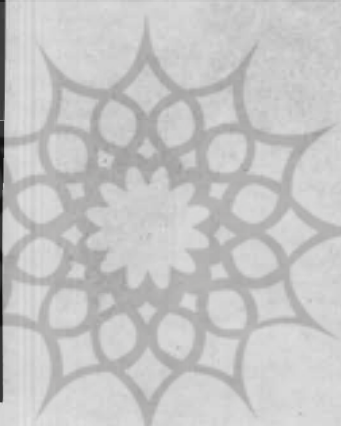
بهشت امپراتور

در طول هزاره دوم، با ظهور انواع خدایان، انقلابی در عقاید مربوط به دنیای پس از مرگ که به‌ویژه با اهمیت فزاینده الهه‌ها پس از قرن چهاردهم ملایم‌تر و انسانی‌تر شده بود، پدید آمد. چهره دوزخ‌گونه زندگی پس از مرگ با مقررات خشک و سرکوب‌گرایانه‌اش نیز جای خود را به بهشتی داد مشابه کاخ پادشاهان و امپراتوران که امپراتور جید (Jade)، ایزدی کهن از

ناگهان می‌بارد، آنها همچون فرشتگان حساس و مهربانند. گندم و برنج نمی‌خورند اما با باد نفس می‌کشند و با شبنم سیراب می‌شوند. به سوی ابر و باد اوج می‌گیرند و بر اژدهایان غول‌پیکر سوار می‌شوند تا آنها را با خود تا آن سوی چهار اقیانوس (یعنی دنیای مسکون) ببرند.» تمام پیروان تائو که تمرین ریاضت می‌کنند، از امور دنیوی چشم می‌پوشند، روزه می‌گیرند و از گیاهان کوهستان تغذیه می‌کنند، در آرزوی رسیدن به راهی به سوی جاودانگی‌اند.

مذهب بودا دو نوع بهشت عرضه می‌کند. یکی مسیح‌وار و مکاشف‌های به نام «دنیای آینده» که امید به آن الهام‌بخش اعتقادات تعداد بی‌شمار و فزاینده‌ای از مردم در طول تاریخ بوده و فرمانروای آن بوداماتریا (Buddha Maitreya) است، دیگری بهشتی که وعده رستگاری می‌دهد - «سرزمین پاک» در مغرب‌زمین که با گل‌های لوتوس و سنگ‌های گرانبها تزیین یافته، جایی که بودا آمیتا‌با (Amithaba)، آن را برای مردان مؤمن (از زنان نامی برده نمی‌شود) که در راه او فداکاری و جهد بلیغ کرده‌اند، باز می‌کند.

با این‌همه، این بهشت افسونگر نهایی به سبب مقاومت از سوی اعتقادات محلی نتوانست در جامعه چین رسوخی جدی پیدا کند. نظریه رستگاری جاویدان با گذاشتن نقطه پایانی بر تناسخ‌های پی‌درپی، احساسات فرزندان مؤمنی را که به ارواح نیاکان به خاک سپرده خویش ارج می‌نهادند و خانواده‌هایی که در جستجوی ارواحی بودند تا در جریان تناسخ در نسل‌های آینده باعث جاودانگی‌شان شوند، جریحه‌دار کرد.



هند:

چرخه‌های زاد و باززاد



آ. س. گناناسامباندان

خدایان خانگی در کارت پستالی از چین امروز.